

بازگشت به دکترین قدیمی "عمق ستراتیژیک" اهداف امنیت ملی و وابستگی‌های ایدئولوژیک چند وچون فعال نگهداشتن مسیرهای اطلاعاتی

درگیری "طالب"ها با پاکستان یا طنز تلخ روزگار
روایت‌ها در مورد موجودیت عقبه ستراتیژیک
صلح بدتر بهتر از جنگ خوب است
توقف توهم

"عمق ستراتیژیک" یا "عمق راهبردی" مفهومیست که روابط بین المللی از علوم و عملیات نظامی وام گرفته است. مفهوم یادشده در ادبیات نظامی بفاصله بین خط مقدم یا بخشهای نبرد و مواضع اصلی یک کشور که شامل پایتخت، بخشهای صنعتی، مراکز اصلی جمعیتی و تولید نظامیست، گفته می‌شود. اصل مهمی که باید در مورد "عمق ستراتیژیک" در نظر گرفته شود، میزان آسیب پذیری هریک از این مواضع در صورت حمله احتمالی دشمن خواهد بود. در چنین شرایط، یک کشور بوسیله عقب نشینی بدون مرزهای خود، توانایی آنرا دارد تا ابتدا حمله موجود را دفع نموده و پس از آن مانع از پشمر رسیدن حمله‌های بعدی دشمن گردد. رهبران باید بتوانند برای هر دو پیامد (شکست یا پیروزی) برنامه ریزی نموده و ظرفیت‌ها و منابع برای هر دو سطح تاکتیکی و ستراتیژیک در جهت مقابله با هرگونه حمله دشمن در هر مرحله‌ای را داشته باشند. این ظرفیت‌ها را لزومن با دوات نظامی محدود نمی‌گردند. قابلیت تقویت بسترهای نظامی و نیز ایجاد انعطاف در آن بمنظور مقابله یا دورماندن از حملات در زمان جنگ نیز ارزشمند می‌باشد. در دوره جنگ سرد و یا آغاز روند استعمارزدایی، مفهوم "عمق ستراتیژیک" همچنان مدنظر قدرت‌های نظامی باقی ماند، اما تمرکز بر ابزار نظامی بتدریج رنگ باخت.

قبل از پرداختن به چگونگی تکوین حوادثی در امتداد خط فرضی "دیورند" که به کشته و زخمی شدن عده‌ای از "طالب"ها و شماری از نظامیان پاکستانی منجر گردید، این مسأله قابل یاددانهایی پنداشته می‌شود که احتمال شکل‌گیری جنگ و درگیری‌های دوامدار مسلحانه میان دو کشور (افغانستان و پاکستان)، اسباب نگرانی‌هایی را فراهم نموده است. در لابلای نیشته حاضر، سعی بعمل آمده تا علل و عوامل درگیری یادشده و راه‌های حل آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شود. بر بنیاد گزارش‌های منابع خبری، بتاريخ نهم ماه میزان سالروان میان نظامیان پاکستانی و "طالب"ها درگیری‌هایی در امتداد خط "دیورند" بوقوع پیوست. در همین حال، در آخرین روزهای هفته پشین، درگیریهای مسلحانه با شدت بی سابقه‌ای تداوم حاصل نموده که میتوان آنرا یکی از جمله خونین‌ترین درگیری‌ها، بویژه پس از بقدرت رسیدن مجدد "طالب"ها در کشور محسوب نمود. علاوه بر کشته شدن و مجروح گردیدن جنگجویان طرفین، طالب‌ها مدعی شده‌اند که ۲۵ پایگاه نظامیان پاکستانی را نیز متصرف گردیده‌اند. در مقابل، نظامیان پاکستانی نیز بنبوبه خویش ادعا ورزیدند که در جریان درگیری‌های یادشده، بیش از ۲۰۰ تن نظامیان افغان را از پا درآورده‌اند. اما کابل تنها کشته شدن ۹ تن از سربازانش را تأیید نموده است. البته نمی‌توان ادعاهای مطرح شده طرف‌های درگیری را بگونه مستقلی تأیید و یا تردید نمود. درین مقطع پرسشی مطرح می‌گردد که بر بنیاد چه واقعیت‌هایی بین نظامیان افغان و پاکستانی درگیری‌های مسلحانه و خونینی آغاز گردید؟ تنش‌ها بتاريخ ۱۷ ماه میزان سالروان، پس از یک رشته انفجارها در کابل و در مناطق جنوب کشور ما آغاز گردید. وزار

ت دفاع "طالب" ها، پاکستانی ها را به نقض حاکمیت افغانستان متهم نمود. اما جانب پاکستانی ها سهمگیری و مشارکت شان را در حملات یادشده تکذیب نموده و اما از کابل خواست تا بموجودیت و حضور "طالبهای پاکستان" در سرزمین و اراضی افغانستان نقطه پایان بگذارد، چه اداره اسلام آباد مدعیست شبه نظامیان یادشده که به کشتن صد ها تن از نظامیان پاکستانی متهم بوده و در افغانستان آموزش های نظامی را پشت سر گذاشته و با طالب های افغان از ایدنولوژی واحدی پیروی می نمایند، تحت تعقیب می باشند. منابع اطلاعاتی پاکستان مدعی گردیده اند که هدف حملات اسلام آباد نورولی محسود رهبر "طالب های پاکستانی" بوده است.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که خط فرضی "دیورند" حدودن ۲۴۰۰ کیلومتر طول دارد که در سال ۱۸۹۳ ترسای بی برپیکرکشور عزیزما افغانستان تحمیل گردیده، خانواده ها و اقوام میهن مارا قهرن وجبرن از هم جدا نمودند که خود، بمثابة تطبیق بخشی از برنامه های استعماری بریتانیای کبیر بوده و مانند لکه سیاهی از جدایی شهروندان کشورما خودنمایی می نماید. اما بخش های عمده باصطلاح مرز (!) افغانستان و پاکستان، موضوع مورد مناقشه میان دو طرف بوده و قبل برین نیز منطقه یادشده شاهد و ناظر درگیری هایی بوده است. در بحبوحه تشدید تنش های پسین، کشورهای قطر، عربستان و ایران از هردو کشور خواهان خویشتن داری شده اند.

دونالد ترامپ نیز قبیلن آمادگیش را برای مداخله بمنظور حل و فصل مناقشه یادشده اعلام کرده بود. در امتداد زمانی درگیری های یادشده، صدای تیراندازی های متواتر از دوردست ها نیز بگوش رسیده و چنین می رساند که هردو جانب با استفاده و بکارگیری از سلاح های سنگین بریکدیگر آتشباری مینمودند. بگزارش دیلی پاکستان، نظامیان پاکستانی در پاسخ بحمله ای در ولسوالی کرم مربوط بایالت خیبر پختونخواه، اقداماتی را علیه شبه نظامیان "طالب" ها در افغانستان انجام دادند.

از جانب دیگر، ریشه و بنیاد درگیری های مسلحانه و ضدونقیض گویی ها میان افغانستان و پاکستان که به تقابل و رویارویی های خونینی انجامیده است، در ترکیب پیچیده ای از مسایل و موضوعات امنیتی و تنش های تاریخی، قومی و ژئوپولیتیک باید جستجو گردد. هسته و مرکز ثقل اختلافات و تنش ها بویژه در حال و اوضاع حاضر، در ادعای مقامات پاکستانی مبنی بر موجودیت "تحریک طالب های پاکستان" در سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما نهفته می باشد، اتهامی که کابل آنرا کاملن بی بنیاد می پندارد. اداره اسلام آباد به بهانه پناه دادن اعضای "تحریک طالب های پاکستان" که بگفته اداره اسلام آباد، گاه و بیگاه حملاتی را برنامه ریزی نموده و در اراضی متعلق به پاکستان اجراء می نمایند، بحملات هوایی بر سرزمین و اراضی کشور عزیزما مبادرت ورزیده که در نتیجه، حملات هوایی یادشده به پاسخ "طالب" ها بمنظور تلافی عملکردهای اینچنینی نظامیان پاکستانی منتج گردید.

مسأله عمده و قابل توجه، از جمله یکی هم اینکه ای اس آی در امر بقدرت رساندن مجدد "طالب" ها در کابل در دهه ۱۹۹۰ ترسای و همچنان در امتداد جنگ ۲۰ ساله پس از سال ۲۰۰۱ نقش عمده و تعیین کننده ای داشت. اما همه شاهدند که پس از بقدرت رسیدن دوباره "طالب" ها در امتداد سال ۲۰۲۱ ترسای، این "طالب" ها بودند که از انجام اقدامات عملی علیه "تحریک طالب های پاکستان" خودداری بعمل آورده و در نتیجه، موضعگیری های اینچنینی، روابط و مناسبات قبلی و تاریخی آنها را دچار لنگش نمود.

اما موجودیت عنصر جغرافیایی در اینمورد را که درگیری ها و مناقشات امروزی در آن ریشه دارد، نباید فراموش نمود و آن اینکه "خط دیورند"، هیچگاهی و در هیچ مقطع تاریخی، چه توسط شهروندان کشور و چه بواسطه حاکمیت های سیاسی در میهن افغان ها، بمثابة مرز رسمی میان دو کشور اصلن برسمیت شناخته نشده و هنوز که هنوز است، بمثابة معضل تاریخی تنش زأ پنداشته می شود.

بخاطر ما باشد که اسلام آباد، اصل روابط و مناسبات با کشورما و بگونه کلی، مناسبات منطقوی را از عینک رقابت و ضدیت با هند می نگرد. اما "طالب" ها در وضعیت و شرایط کنونی، در موقعیت ویژه ای از ایجاد، برقراری و حفظ توازن قرار دارند، چه، از یکجانب پاکستان تلاتش می ورزد "طالب" ها را به هدف وارد نمودن فشار بمنظور مبارزه آنها علیه "تحریک طالب های پاکستان" متقاعد نماید و از جانب دیگر هرگونه اقدام "طالب" ها علیه تحریک یادشده، سبب ساز ایجاد شگاف میان "طالب" ها شده و یا حتا تغییر مواضع عده ایی از جنگجویان آنها را بدنبال خواهد داشت، زیرا بر بنیاد علایق قبلی، عده بیشماری از آنها از همفکران پاکستانی شان جانبداری و حمایت بعمل می آورند.

اما پیشبینی هایی نیز موجود می باشد که درگیری های کنونی، در نوع خود، سبب ساز حملات شده و به عامل افزایش اقدامات تروریستی "تحریک طالب های پاکستان" در محدوده اراضی و قلمرو متعلق به پاکستان مبدل گردد.

اگر پاکستان چنین تصور نماید که بمنظور مقابله با تهدیدهای فزاینده کنونی، ضرورت اجرای عملیات وسیع تر ضد تروریستی در دستور کار قرار دارد، پس باید بداند که بمنظور دستیابی بأمول فوق، ضرورت موجودیت قابلیت های اطلاعاتی از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

برین بنیاد، تقابل و رویارویی میان "طالب" ها و اسلام آید، بمثابة یک درگیری ساده پنداشته نمی شود، بلکه دو گانگی و ضدونقیض گویی های مغلق و پیچیده ای بشمار می آید که در مشاجرات و اختلافات تاریخی، وابستگی های قومی و تباری ریشه داشته که بویژه در پس منظر می تواند تغییرنظم منطقی را بدنبال داشته باشد.

اما مجموعه درگیری های موجود را می توان بمثابة ضدیت عمیقی میان اهداف امنیت ملی پاکستان و همبستگی های قومی و ایدئولوژیک "طالب" ها پنداشت که تداوم آن و حتا تغییر شکل صوری آن نیز متصور بوده و اما در ماهیت آن تغییری رونما نخواهد گردید.

با وجود اینهمه، هیچکدام از طرف های درگیر، اصلن و در واقعیت امر، علاقمند و طرفدار جنگ تمام عیار نمی باشند، اما موجودیت بی اعتمادی ریشه دار، فشارهای روزافزون و تشنج وضعیت در داخل پاکستان و... اوضاع عمومی منطقه را با عدم ثبات و نبود استقرار مواجه نموده است.

از یاد ما نرود که در امتداد زمانی پس از درگیری های مسلحانه، آیا این واقعیت باثبات خواهد رسید که آزمون کنونی چه مسیری را سیر خواهد نمود و این مسأله واضح و مبرهن خواهد گردید که آیا "طالب" ها و پاکستان می توانند توانایی های خویشتن داری ستراتیژیک را بردستیابی های نظامی ترجیح دهند؟

در کنار سایر موارد گفته آمده، اسلام آباد اهرم های فشار بیشتری در اختیار دارد تا برکشورما و بویژه بر اقتصاد میهن ما وارد نماید. بستن بزرگ راهای "تورخم" و "چمن"، یکی از جمله فشارهای یادشده پنداشته می شود. همچنان سازمان آی اس ای، در امتداد سال های متوالی، بگونه دوامدار و سخاوتمندانه ای با بازیگران افغان منا سیات آشکار و نهانی داشته و از موجودیت شبکه های گسترده اطلاعاتی درکشورما نیز برخوردار می باشد.

با وجود اینهمه، "طالب" ها با خصوصیات آب و هوای و جغرافیای کوهستانی و دشوار گذار و با مشخصه ها و ویژگی های مناطق قبایلی آشناهی و معرفت کامل دارند، آنها در میان شهروندان کشورنفوذ داشته و بسادگی از یک منطقه بمحل دیگر نقل مکان می نمایند که وضعیت اینچنینی، برتری نظامی پاکستان را با مشکل مواجه می نماید.

همچنان وسعت عملیات مسلحانه علیه "طالب" ها سبب ساز گسترش ناآرامی و بی امنیتی در داخل قلمرو پاکستان، بویژه در مناطق و محلات قبایلی گردیده، بی ثباتی بیشتری را برای آنکشور بارمغان آورده و باعث ازدیاد تلفات و خاک و خون کشاندن شهروندان ملکی و غیر نظامیان خواهد گردید.

در نهایت امر، پس از چهار روز درگیری مسلحانه، روز چهارشنبه هفته پسین، "طالب" ها و پاکستان در امتداد خط "دیورند" به آتش بس موافقت نمودند. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی "طالب" ها اعلام نمود که بحفظ و رعایت آتش بس پایبند خواهند بود. نامبرده همچنان خاطر نشان نموده افزود که اگر از خارج کشور علیه افغانستان تجاوز صورت رت گیرد، آنها با تمام قوا حق دفاع از سرزمین افغانستان را برای خویش محفوظ نگه میدارند.

در نهایت امر و بمثابة ختم کلام امروزی، باید چنین نتیجه گیری نمود که تحلیلی از وضعیت سیاسی و اجتماعی - اقتصادی پاکستان، این امکان را میسر می نماید تا بسیاری از سناریوهای فاجعه بار مورد بحث در امتداد سال های پسین وارد نماییم؛ نه فروپاشی دولت، نه تصاحب قدرت توسط رادیکال ها و نه کودتای نظامی دیگر، بگونه کلی، چشم انداز و دورنماهای واقعینانه ای برای این کشور اصلن متصور نمی باشد. در عین حال، این امکان نیز موجود می باشد که پاکستان با بحران های سیاسی و اقتصادی، بلایای طبیعی، افزایش فعالیت های تروریستی، درگیری های بین فرقه بی و از دست دادن مؤقت نظارت بر جامعه مواجه گردد.

یکشنبه ۲۷ ماه میزان سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابر با ۱۹ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۵ ترسایی